

دیگران را زت‌هار می‌دهند که این مواضع به‌یاد سپرده خواهند شد و به‌مثابه بخشی از کارنامه و شناسنامه افراد، بعدتر می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند.
دسته‌نخست «ایران‌گرایان فاشیست» را بدین متهم می‌کنند که انسانیت را مرزبندی می‌کنند، برای مقابله با جمهوری اسلامی حاضرند ننگ سکوت حمایت‌آمیزشان را رژیم جنایتکار اسرائیل را بر گردن نهند و با انتساب ساده‌انگارانه وضعیت فعلی فلسطین به سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، رفتارهای خلاف حقوق بشر و حقوق بین‌الملل اسرائیل و حمایت آشکار آمریکا از آن رفتارها را نادیده بگیرند.
جز این، متوجه این نکته نیستند که سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی را هر دولت دیگری نیز که در ایران بر سر کار باشد، باید پی بگیرد؛ کم‌اینکه میان سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی و دولت پهلوی نیز شباهت‌هایی معنادار یافت می‌شود.

در مقابل، گروه دوم استفاده اِبرازی «چپ‌های بی‌وطن» و «امت‌گرایان» را از احساسات و عواطف انسانی مردم برای تداوم ستیز با امپریالیسم و سایر برساخته‌هایی که به جهان غرب نسبت می‌دهند تا تحقیرش کنند، نقد می‌کنند و بر این باورند که مسئله ضدیت با اسرائیل و در اصل با جهان غرب به‌هر، رهبری آمریکا، نسبت به درد و رنج مردمان ایران و آینده این کشور، اولویتی ده چندان در ذهن و ضمیر سینه‌چاکان کنونی فلسطینی‌ها دارد.
از نظر این گروه، سکوت چپ‌ها و امت‌گرایان در قبال ربودن ۲۰ هزار کودک اوکراینی در جنگ این کشور با روسیه یا بی‌اعتنایی به ستم ساختاری بر اوغورهای چین، نمونه‌هایی هستند از هر خورد گرزینی و استانداردهای دوگانه این مدعیان حقوق بشر.

▼ امر سیاسی نزد اشمیت

در چنین هنگامه‌ای البته این سخن که می‌توان منتقد هر ستمی در هر گوشه از جهان بود، پتواک چندان نمی‌یابد؛ زیرا در وهله‌نخست، این موضع در زمینی میانه‌دو سترگ‌بندی مستحکم، چادر خویش را بر پا می‌دارد، بنابراین گویی موضعی سیاسی را نمی‌تواند اشغال کند. پس هیچ کدام از طرفین این منازعه، نمی‌توانند آن موضع را به‌نفع خود مصادره کنند و گوینده‌اش را (ایکی از ما در برابر آنها) به‌شمار آورند. با این تفاسیر شاید بشود گفت، میدان سیاست در چنین بازنمایی‌های رسانه‌ای، شباهت یافته است با آنچه کارل اشمیت از «امر سیاسی» مدنظر داشت و آن را با «تمایز میان دوست و دشمن» توضیح می‌داد.
باین‌همه این وضعیت از سویی دیگر، فهمی مخالف خوانش اشمیت از امر سیاسی را نیز بازتاب می‌دهد؛ زیرا «دشمن» مدنظر اشمیت، هم‌آوردی در عرصه خصوصی نیست بلکه دشمنی در عرصه عمومی است. توضیح بیشتر آنکه از نظر اشمیت اخلاقی، زیبایی‌شناسی و اقتصاد هم‌به‌مثابه حوزه‌هایی متمایز از سیاست-معیارهایی خاص و خودبسنده دارند که بهتر تیب با تمایزهایی میان «خیر و شر»، «زشت و زیبا» و «سود و ضرر» صورت‌بندی می‌شوند. نکته مهمی که اینجا در بحث اشمیت وجود دارد این است که تمایز دوست و دشمن نیز تمایزی خودبسنده است، بنابراین نباید ریشه دوستی و دشمنی را در تمایزهای اخلاقی، زیبایی‌شناسانه و اقتصادی باز‌جست؛ «لازم نیست که دشمن سیاسی به‌لحاظ اخلاقی شر، یا به‌لحاظ زیبایی‌شناختی زشت باشد؛ دشمن لازم نیست که به‌مثابه یک رقیب اقتصادی ظاهر شود و حتی ممکن است انجام معاملات تجاری با او سودآور باشد.»

▼ دشمنی سیاسی نه شخصی است، نه همیشگی

اهمیت این دو نکته در بحث اشمیت در این است که دوستی و دشمنی مندرج در امر سیاسی را از دو خصیصه میرا می‌کند؛ شخصی‌بودن و همیشگی‌بودن. بنابراین اندیشه اشمیت، هم مقوله‌هایی چون «صلح پایدار» و «جهان بدون جنگ» را فانتزی



اشمیت دوستی و

دشمنی مندرج در

امر سیاسی را از دو

خصیصه میرا می‌کند؛

شخصی‌بودن و

همیشگی‌بودن. بنابراین

اندیشه اشمیت، هم

مقوله‌هایی چون «صلح

پایدار» و «جهان بدون

جنگ» را فانتزی

می‌پندارد و هم در

برابر این نگرش‌های

صلح‌طلبانه، بر این

عقیده است که جنگ

بخشی اجتناب‌ناپذیر

از سیاست است

می‌پندارد و هم در برابر این نگرش‌های صلح‌طلبانه، بر این عقیده است که جنگ بخشی اجتناب‌ناپذیر و- البته نه لزوماً مطلوب- از سیاست است و فراتر از آن «کل سیاست، زمانی نابود می‌شود که امکان جنگیدن از میان برود.»

در عین حال چنین درکی راهی می‌گشاید برای اینکه متوجه دو نکته شویم؛ یکی اینکه، دشمنی سیاسی نمی‌تواند معطوف به شخصی شود که در زندگی روزمره از او متنفر هستیم بلکه این مقوله، امری عمومی و مربوط به پدیده‌ای جمعی می‌شود و دیگر همان نکته‌ای که بارها شنیده‌ایم: «در سیاست دوست و دشمن دائمی نداریم». درباره این دومی بسیار سخن رفته است اما آن نکته اول به‌بختی که درباره نزاع مجازی گفته شد، ارتباطی وثیق می‌یابد زیرا اگر فرض بگیریم که نزاع سیاسی، نزاعی عمومی میان دو گروه از مردمان است که علاوه بر تشککل‌یابی، آمادگی دارند در برابر یکدیگر صف‌آرایی کنند و هزینه‌های این منازعه را نیز پذیرا باشند، آنگاه می‌توان مدعی شد که بسیاری از کاربران مجازی، نه عضو تشکلی هستند و نه آمادگی مبارزه سیاسی را دارند. جدا از آنکه بسیاری از این کاربران با نام‌های ناشناس در این فضا حضور پیدا می‌کنند، نباید از پدیده «کنشگری زیر لحاف» (Slacktivism) غافل شد. طبق این واقعیت بسیاری از فعالیت‌های مجازی بیشتر از آنکه تأثیری عینی در واقعیت عرصه سیاسی و اجتماعی داشته باشند، فقط به کاربران احساس رضایتی کاذب می‌دهند و بر توهمی دامن‌می‌زند که می‌توان آن را همان چیزی نامید که سعید حجاریان دوده‌پیش آنها را «کلیک کلیک بنگ-بنگ» نامیده بود.

▼ شکاف نظر و عمل

اگر این نکته را بپذیریم، آنگاه سهیل‌تر خواهد بود پذیرش این نکته که نباید آن ابرازنظرهای شخصی در استوری‌های اینستاگرامی را به‌ط‌م‌رزی داغ و سیاسی خوانش کرد. جدا از این، تبدیل‌کردن این تفاوت آراء به شکاف‌های سیاسی هویتی و حیثیتی، ناشی از یک خطای رایج دیگر نیز می‌تواند باشد. آن خطا عبارت است از این امر که شکاف پُرناشدنی میان «نظر» و «عمل» را نادیده یابی اهمیت‌بیانگریم و تصور کنیم هر ابراز نظری می‌تواند نتیجه‌ای عینی و عملی در پی داشته باشد. این مقوله از آغازگاه‌های فلسفه در یونان باستان مورد بحث قرار گرفته است و از قضا تا آنجا که به مقوله سیاست مرتبط می‌شود، یکی از مهم‌ترین پاسخ‌ها بدان را ارسطو ابراز داشته است. نزد افلاطون این تصور وجود دارد که سیاست باید از فلسفه و نظر تبعیت کند، اما ارسطو با نقد افلاطون بدین نکته اشاره می‌کند که سیاست نه در مقوله «حکمت نظری»

که در زمره «حکمت عملی» قرار می‌گیرد و خصلتی خودآیین دارد. از نظر ارسطو معرفت سیاسی، معرفت به اموری سیال است که نه‌فقط در آنها تغییر و تبدیل نقشی اساسی دارد، بلکه بدون تصمیم و عمل نمی‌توان آنها را دگرگون کرد. با این تفسیر یکی از دلایل نفقش عقاید و تهدید یکدیگر در فضای مجازی را می‌توان ناشی از این خطا دانست که کاربران گمان می‌کنند نظر، همان عمل است یا تبدیل‌شدن نظر به عمل، امری بسیار در دسترس است. تجربه دنیای سیاست اما نشان می‌دهد میان نظر و عمل در سیاست فاصله‌ای عمیق است که باید با تشکل، قدرت و تصمیم‌پُر شود. در نبود چنین مولفه‌هایی، نه قابلمه‌های مغلوبه زنان تهرانی تغییری در وضعیت فلسطینی‌ها ایجاد خواهد کرد، نه بطری‌های پلاستیکی حامل غذایی که جوانان مصری به دریا می‌اندازند. هر دوی این حرکات در بُعد شخصی می‌توانند نشانه‌هایی از حساسیت‌های اخلاقی باشند اما از منظر سیاسی فاقد اهمیت هستند، بنابراین موضع‌گیری در قبال آنها نیز اکت سیاسی نیست.

▼ خدا اخلاقی بودن رفتار اسرائیل در غزه

چنین درکی از مسئله البته به هیچ وجه نافی این واقعیت نیست که رفتار حکومت اسرائیل با ساکنان غزه دچار انحرافی روشن از معیارهای انسانی و خلاف قواعد و اصول انسانی است. از این منظر، اخلاقی در هر خوانشی- اعم از خوانش‌های فضیلت‌گرایانه، وظیفه‌گرایانه و نتیجه‌گرایانه - مجوزی نمی‌دهد که مردمان را گرسنگی بدهیم، آنها را در صف‌های تحقیرآمیز دریافت غذا مورد اصابت گلوله قرار دهیم، هیچ ملاحظه‌ای درباره وضعیت زنان و کودکان درگیر در این جنگ نداشته باشیم و به‌طور خلاصه و آنگونه که حتی بسیاری از سیاستمداران اسرائیلی و آمریکایی نیز بدان معترفند، دست به «جنایت جنگی» و «نسل‌کشی» بزنیم. انکار این موارد و بدتر از آن توجیه این جنایات با هیچ دست‌انویزی، اخلاقی نمی‌نماید. اینکه حماس نباید بپاانه به دست اسرائیل می‌داد و یا خطای تخمین حماس باعث چنین امری شده است، هیچ مجوز اخلاقی مشروعی برای شرارت اسرائیل در این نبرد نمی‌دهد. حتی اینجا نیز می‌توان همونا با اشمیت از این سخن گفت که اسرائیل در این جنگ یک نبرد سیاسی را با یک نبرد اخلاقی اشتباه گرفته است و خود را در مقام یک نیروی «شر» متبلور ساخته است که می‌کوشد با انسانیت زدایی از فلسطینی‌ها، هر ستمی بر آنان را مشروع جلوه بدهد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی	۱۹۷۲۲۸۴
آگهی تحدید حدود اختصاصی	
ثبت املاک یک قسمت از بخش ۲ شهرستان بجنورد به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک تحدید حدود شماره زیر:۲۱۲۹ اصلی بخش ۲ بجنورد موسوم به استاد تیمورتاش شش‌دانگ پلاک ۳۹۳ فرعی یک قطعه زمین مزروعی مالکیت- آقای منوچهر شایگان فرزند خداداد به ش.ش ۴۱۱ در روز سه‌شنبه بیست و هشتم مرداد ماه یکهزار و چهارصد و چهار (۱۴۰۴/۰۵/۲۸) ساعت ۱۰:۳۰ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاعی و مجاورین شماره‌های فوق‌الذکر به وسیله این آگهی اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاعی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاعی که در موقع مقرر حاضر نبوده‌اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحد قانون تعیین تکلیف پرونده‌های ثبتی، معترضین می‌بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶	
سعید عقیقی /رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی	۱۹۷۲۳۶۱
آگهی فقان سند مالکیت	
موضوع ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت آقای علی اصغر خانی خواجه‌ها فرزند حسن کد ملی ۸۷۲۸۳۷۳۸۶ با تسلیم دو برگ استشهاد گواهی امضا شده به تقاضای کتبی شماره ۵۰۵۰۳۵۹۱۴۰۴- مورخ ۰۴/۳۰/۱۴۰۴ جهت دریافت یک برگ سند المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است که سند مالکیت چاپی ۲۱۳۳۳۴۰ شش‌دانگ پلاک ۴۵۳۳ فرعی از ۱۶۸ اصلی واقع در بخش دو بجنورد متعلق به وی مفقود شده است. لذا طبق ماده ۱۱ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور بوده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید. بدیهی است چنانچه در ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد اداره ثبت طبق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد کرد و سند مالکیت اولیه از درجه اعتبار ساقط است.	
مهدی سیاوشی /رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک بجنورد //از طرف فاطمه بهادری	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی	۱۹۷۲۲۵۱
آگهی تحدید حدود اختصاصی	
ثبت املاک یک قسمت از بخش ۲ شهرستان بجنورد به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک تحدید حدود شماره زیر: ۲۰۰ اصلی بخش ۲ بجنورد موسوم به بدرانلو شش‌دانگ پلاک ۱۰۲۹ فرعی یک قطعه زمین زراعی مالکیت- خانم صدیقه خندان فرزند علی به ش.ش ۱۲۸۴ در روز یک‌شنبه نهم شهریور ماه یکهزار و چهارصد و چهار (۱۴۰۴/۰۶/۰۹) ساعت ۸ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد. لذا به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاعی و مجاورین شماره‌های فوق‌الذکر به وسیله این آگهی اخطار می‌گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهارشده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاعی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاعی که در موقع مقرر حاضر نبوده‌اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحد قانون تعیین تکلیف پرونده‌های ثبتی، معترضین می‌بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۶	
سعید عقیقی /رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد	

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان شمالی	۱۹۷۲۳۶۲
در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیات مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورد رسیدگی و تایید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز دو نشریه آگهی‌های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می‌گردد: بخش دو بجنورد پلاک ۱۹۹ اصلی اراضی موسوم به سریوان برزوا- شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی یا کاربری زراعی- باغی در قسمتی از پلاک شماره فرعی ۱۶۲ و شماره اصلی فوق به مساحت ۱۷۷۲/۱ مترمربع ایتناعی جلیل مجرد فرزند بیی به میزان شش دانگ یک قطعه زمین زراعی یا کاربری زراعی- باغی از محل مالکیت ثبتی حسینعلی و قنبرعلی و زینب اکبری برابر برای شماره ۷۹۸/۰۵۰۵۰۳۰۳۰۷۰۵۱۴۰۴- ۰۵/۱۵/۱۴۰۳- شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی یا کاربری زراعی- باغی در قسمتی از پلاک شماره فرعی ۳ و شماره اصلی فوق به مساحت ۲۹/۲۹۰ مترمربع ایتناعی جلیل مجرد فرزند بیی به میزان شش دانگ یک قطعه زمین زراعی یا کاربری زراعی- باغی از محل مالکیت ثبتی تاجی خانی برابر برای شماره ۹۰/۰۵۰۵۰۳۰۳۰۷۰۵۱۴۰۴- ۰۷/۱۵/۱۴۰۳- لذابد نویسله به فروشدگان و اشخاص ذینفع در آراء اعلام‌شده ابلاغ می‌گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسیداخذ نمایند. معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت مقرر قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود ضمنا صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. تاریخ انتشار نوبت اول: ۰۶/۰۵/۱۴۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۱/۰۵/۱۴۰۴	
سعید عقیقی /رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو بجنورد	

سینمای ایران

بودجه‌ای برای سینما یا تشریفات؟

تحلیلی بر تخصیص ۱۸ میلیارد تومانی وزارت ارشاد به خانه سینما



بر اساس سند رسمی منتشرشده از سوی سازمان امور سینمایی کشور، خانه سینما در تیرماه ۱۴۰۴ مبلغ ۱۸ میلیارد تومان بودجه مستقیم دریافت کرده است. این مبلغ در قالب یک تقاهم‌نامه شش‌بندی برای حمایت از فعالیت‌های صنفی و گسترش سینمای ملی به تصویب رسیده است. اما بررسی دقیق جدول تفکیکی این مبلغ نشان می‌دهد که تخصیص‌ها، بیش از آن که بر اولویت‌های اصلی صنف تمرکز داشته باشند، درگیر عناوین کلی، تشریفات و فعالیت‌های غیرشفاف هستند. این الگوی بودجه‌ریزی، نه به تقویت استقلال سینمای ایران منجر خواهد شد، نه به پایداری ساختار صنفی آن. اکنون خانه سینما به‌عنوان دریافت‌کننده مستقیم این اعتبار موظف است پاسخگو باشد: چه سازوکاری برای توزیع این منابع اتخاذ شده؟ سهم هر صنف چقدر است؟ و مهم‌تر از همه، چه گزارشی از عملکرد این بودجه در اختیار افکار عمومی قرار خواهد گرفت؟

۱- امور رفاهی، معیشتی و درمانی سینماگران | ۴/۵ میلیارد تومان: در نگاه اول، این رقم مهم‌ترین بخش حمایتی بودجه به‌نظر می‌رسد. پرداخت برای رفاه و درمان سینماگران، به‌ویژه در وضعیتی که بخش بزرگی از اعضای صنف فاقد پوشش بیمه‌ای پایدار و منظم هستند، اقدامی ضروری است. اما تا زمانی که سازوکار تخصیص، شاخص‌های ارزیابی و اطلاعاتی درباره تعداد بهره‌مندان منتشر نشود، خطر «توزیع رانتی» این منابع وجود دارد. تجربه سال‌های اخیر نشان داده که بخش قابل توجهی از کمک‌های حمایتی نه‌به‌بدنه واقعی صنف، بلکه به گروهی محدود و نزدیک به ساختارهای رسمی می‌رسد.

۲- برگزاری جشن‌ها و آیین‌های صنفی | ۴ میلیارد تومان: آیا در شرایطی که سینمای ایران با کاهش تولید، افت سرمایه‌گذاری و مشکلات اساسی در اکران و پخش مواجه است، برگزاری جشن‌های پرزینه اولویتی واقعی برای صنف به‌شمار می‌رود؟ تخصیص این رقم بالا به مراسم و آیین‌ها، گواهی است بر غلبه نگاه ویتربنی بر سیاست‌گذاری فرهنگی. این رویکرد که تمرکز را از مسائل ساختاری به ظواهر مناسکی منتقل می‌کند، بارها مورد انتقاد بدنه مستقل سینماگران بوده است. این در حالی است که بسیاری از همین صنف، حتی دفتر ثابت یا امکانات اولیه برای فعالیت ندارند.

۳- فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی | ۴/۵ میلیارد تومان: یکی از مهم‌ترین و در عین حال پرهزینه‌ترین بندهای تقاهم‌نامه، همین ردیف سوم است. عبارت «فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی» نه‌مصادق دقیق دارد، نه زمان‌بندی و نه گره هدف. چه فعالیت‌هایی؟ یا چه خروجی‌هایی؟ و چه کسانی ذی‌نفع واقعی آن هستند؟ چنین کلی‌گویی‌هایی، دست مسئولان اجرایی را برای هزینه‌کرد نامشخص و فاقد پاسخگویی باز می‌گذارد. در حالی که این مبلغ می‌توانست به آموزش تخصصی، تولید آثار تجربی یا حمایت از سینمای مستقل اختصاص یابد.

۴- توسعه سامانه‌های الکترونیک و هوشمندسازی

نیم میلیارد تومان: در شرایطی که بسیاری از صنف حتی فاقد ساختار اداری دیجیتال و سامانه ارتباطی منسجم هستند، این مبلغ نسبتاً اندک برای هوشمندسازی می‌توانست نقطه‌ای آغاز مثبتی باشد. اما سابقه اجرایی چنین پروژه‌هایی در نهادهای فرهنگی نشان می‌دهد که اغلب به سامانه‌هایی بی‌کاربرد، ناکارآمد یا صرفاً تبلیغاتی ختم شده‌اند. بدون توضیح مشخص درباره نوع سامانه، کاربرد آن و بهره‌برداران نهایی، این بند نیز بیش از آن که یک تحول ساختاری باشد، به یک نمایش فرم‌گرایانه می‌ماند.

۵- حق عضویت در مجامع بین‌المللی | ۱/۵ میلیارد

تومان: در میان ردیف‌های بودجه، به‌وضوح مبلغی برای پرداخت حق عضویت فراراسیون تهیه‌کنندگان است که به‌نظر می‌رسد به‌صورت آرزوی منتظم‌پرداخت می‌شود. این در حالی است که انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران سال‌هاست به‌دلیل ناتوانی در پرداخت حق عضویت، از عضویت رسمی در فدراسیون جهانی منتقدان بازمانده است. بر چه اساسی اولویت فرهنگی پرداخت به فیافپ بوده و نه فیپرشی؟ اگر هدف تعامل جهانی و دیپلماسی فرهنگی است، چرا بدنه‌ی فکری و تحلیلی سینما، یعنی منتقدان، از این مسیر حذف شده‌اند؟ این تصمیم، بیش از آن که ناشی از محدودیت بودجه باشد، به‌نظر می‌رسد بازتاب یک سیاست‌گذاری جاافتاده و غیرمتعادل در حمایت از بخش‌های خاصی از سینماست.

۶- برگزاری نشست‌ها و نظارت بر فعالیت صنف | ۲ میلیارد تومان: نشست‌های تخصصی، جلسات

هم‌اندیشی و نظارت صنفی در ساختار حرفه‌ای سینما بسیار مهم‌اند. اما صرف دو میلیارد تومان برای برگزاری جلسات، در حالی که برخی صنف از کمترین امکانات برای تعامل درونی محروم‌اند، گواهی است بر اولویت‌بندی معکوس. آیا گزارش‌های مستندی از این جلسات منتشر خواهد شد؟ یا نتایج آن به‌یچ‌و‌فرآیندهای صنفی منجر می‌شود؟